

کارکردهای اقتصادی وثیقه و ضرورت اصلاح نظام معاملات آن

محمدرضا دشتی^۱، مرتضی شهبازی نیا^{۲*}، محمد عیسائی تفرشی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۷

پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۲

چکیده

در علم حقوق، وثیقه صرفاً به عنوان پشتوانه‌ای جهت بازپرداخت وام و یا انجام تعهد محسوب می‌شود درحالی که وثیقه در اقتصاد، کارکردهای گوناگونی دارد. در این نوشتار با بررسی کارکردهای اقتصادی وثیقه، نقش وثیقه در اقتصاد خرد و کلان تبیین گردید. کارایی اقتصادی معاملات باوثیقه با تمسک به تحلیل اقتصادی و نظریه نقض کارآمد قرارداد ارزیابی و مشخص شد که نظام جامع معاملات باوثیقه می‌تواند اسباب تخصیص کارآمد کالاها و خدمات و نهایتاً کارایی اقتصادی را فراهم آورد. مطالعه این نهاد معاملاتی با رویکرد اقتصادی، نقش کلیدی معاملات باوثیقه را در توسعه اقتصادی از طریق افزایش دسترسی به اعتبار و کاهش هزینه های جذب آن، نمایان می‌نماید. در راستای کارایی اقتصادی معاملات باوثیقه و ایفای نقش مطلوب این نهاد حقوقی، اعمال اصلاحاتی در مقررات قانونی ضروری

است امری که در گزارش های متعدد بین المللی در خصوص نظام اقتصادی ما، بدان اشاره شده است و بسیاری از کشورها ضمن درک لزوم اصلاح آن، نسبت به اصلاح نظام حقوقی خود اقدام کرده‌اند.

واژگان کلیدی: وثیقه، معاملات باوثیقه، اقتصاد خرد و کلان، کارایی اقتصادی، نقض کارآمد.

۱. مقدمه

در معاملات، تعهد یک طرف قرارداد غالباً در زمان حال انجام می شود ولی ممکن است تعهد طرف دیگر به آینده موکول گردد. این گونه معاملات غیرنقدی، همیشه مخاطراتی را به همراه دارد که باید بخش قابل ملاحظه ای از آن توسط نظام حقوقی پوشش داده شود. در اقتصادهایی که تضمین قرارداد مشکل است و به سختی و با هزینه هایی زیاد صورت می گیرد مبادلات غیر نقدی و اعطای اعتبار نیز به ندرت انجام می شود؛ چراکه همواره اعتباردهنده با خطر عدم پرداخت وجه از سوی بدهکار مواجه است. از طرفی دسترسی به تسهیلات و اعتبار برای رشد اقتصادی حیاتی است و به تعبیری موتور توسعه اقتصادی است. همه بنگاهها اعم از تولید کننده، توزیع کننده، عرضه کنندگان خدمات و حتی خرده فروشان برای فعالیت، توسعه و رقابت در بازار به سرمایه در گردش نیاز دارند. از این رو ارتباط بین میزان تضمین قراردادهای و سطح عملکرد اقتصادی غیرقابل انکار است. (نیلی و علوی، ۱۳۸۲، ص ۳۶۰) توسعه اقتصادی مستلزم جذب سرمایه های داخلی و خارجی جهت تامین مالی طرح های اقتصادی است. در مطالعات صورت گرفته از سوی بانک بین المللی بازسازی و توسعه^۱، بنیاد بین المللی پول^۲، بانک توسعه آسیا^۳ و بانک بازسازی و

۱. IBRD

۲. IMF

۳. ADB



توسعه اروپا^۱، یکی از موثرترین ابزارهای تامین مالی برای شروع یک کسب و کار، اعتبار باوثیقه دانسته شده است (UNCITRAL Legislative Guide on Secured Transactions, 2010, p.2) که این اعتبارها از طریق انعقاد معاملات باوثیقه^۲ تحصیل می‌شود.

در نظام حقوقی ما تعریف دقیقی از معاملات باوثیقه صورت نگرفته است؛ اما در برخی فرهنگ های حقوقی، معاملات وثیقه‌ای چنین تعریف شده است: «هر معامله که عاقدی، مالی (اعم از منقول و یا غیرمنقول یا پول نقد یا سهام و اوراق بهادار) را وثیقه پرداختن طلب طرف دیگر عقد و یا وثیقه حسن اجرای تعهدی یا گشایش اعتبارات قرار دهد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۱۹). تعریف جهانی شناخته شده ای از معامله باوثیقه وجود ندارد اما به حق نسبت به دارایی که برای تضمین پرداخت پول و یا اجرای سایر تعهدات ایجاد می شود حق وثیقه می گویند (Akseli, 2013, p.35) و بالتبع معاملاتی که این حق وثیقه را در برگیرد معاملات باوثیقه گویند. با توجه به تعاریف فوق به نظر می رسد در حقوق ما، هر معاملاتی که موجب حق وثیقه باشد، معاملات باوثیقه گویند اعم از اینکه آن قرارداد همچون عقد رهن، اثر اصلی آن ایجاد حق وثیقه باشد یا همانند بیع شرط یا معاملات با حق استرداد، اثر اصلی آن ایجاد وثیقه نباشد، بلکه از مال و مالکیت به عنوان ابزار توثیق استفاده شود. علی رغم پیش بینی نهاد معاملات باوثیقه، از مهمترین دلایل عدم تمایل نسبت به سرمایه گذاری و متعاقباً عدم دسترسی به اعتبار، فقدان نظام قانونی منسجم، شفاف، قابل اطمینان و با نتایج قابل پیش بینی، برای معاملات باوثیقه است تا جایی که در قرن بیستم، تقاضای اعتبار از سوی بنگاههای تجاری اغلب به دلیل فقدان یک چهارچوب قانونی مناسب که از طریق آن، قرض گیرندگان بتوانند حق وثیقه ای را به

۱. EBRD

۲. Secured Transactions

وام دهندگان و دیگر فراهم کنندگان اعتبار اعطا کنند، بی نتیجه می ماند. کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نبوده و مستند به گزارش های بین المللی، نظام معاملات باوثیقه با توجه به تحولات اقتصادی، اجتماعی و به ویژه نیازهای تجاری پاسخگوی نیازهای کنونی نیست. در راستای بررسی جایگاه معاملات باوثیقه در اقتصاد، این مطالعه با پرداختن به کارکردهای اقتصادی وثیقه در نظام اقتصادی کنونی، نقش وثیقه در اقتصاد را تبیین می کند. سپس با تمسک به تحلیل اقتصادی حقوق به ارزیابی نهاد معاملات باوثیقه پرداخته می شود. در پایان با توجه به تجربیات سایر کشورها و گزارش نهادهای بین المللی ضمن بیان معضلات پیش روی نهاد معاملات باوثیقه، لزوم پیش بینی نظام جامع و بهینه معاملات باوثیقه بررسی و پیشنهاداتی ارائه می گردد.

۲. کارکردهای اقتصادی وثیقه

در علم حقوق، وثیقه صرفاً به عنوان پشتوانه ای جهت بازپرداخت وام و یا انجام تعهد محسوب می شود درحالی که وثیقه در اقتصاد، کارکردهای گوناگونی دارد. کارکرد وثیقه در اقتصاد می تواند ارزش اقتصادی و به ویژه کارایی آن را در اقتصاد اثبات نماید. علم اقتصاد در دو بعد خرد و کلان در جهت رفع نیازهای بشر به کار گرفته می شود. در این راستا باید بین عملکرد وثیقه در اقتصاد خرد^۱ و اقتصاد کلان^۲ تمایز قائل شد. اقتصاد خرد، به اثرات اقتصادی بر روی نهادهای اقتصادی فردی (شخصی) نگاه می کند و به مطالعه چگونگی رفتار مصرف کننده، تولید کننده و همچنین نحوه تصمیم گیری در گروههای کوچک از قبیل خانواده و یا شرکتها می پردازد. اقتصاد کلان با مباحث اقتصادی به صورت کلی در ارتباط است و در آن مسائلی چون

۱. Microeconomic

۲. Macroeconomic



درآمد و مخارج کل کالاها و خدمات، میزان تورم و بیکاری، رشد اقتصادی، رابطه مبادله ارز، سیاست‌های دولت اعم از سیاست‌های پولی و مالی، نرخ بهره و سرمایه‌گذاری، مصرف و پس انداز و غیره مطرح است (Cooter and Ulen, 2016, p.11)

۱-۲. کارکرد وثیقه از دیدگاه اقتصاد خرد

تأثیر و نقش وثیقه به عنوان یکی از شایع ترین ابزارهای تضمین در اقتصاد و به ویژه اقتصاد خرد، غیر قابل انکار است. از کاهش خطر، تغییر خطر و افشای اطلاعات در خصوص بدهکار، می‌توان به عنوان سه کارکرد اصلی وثیقه از منظر اقتصاد خرد نام برد.

۱-۱-۲. کاهش خطر^۱

مهمترین عملکرد وثیقه از جنبه اقتصاد خرد، کاهش خطر است (Röver, 2010, p.490). هر نوع اعطای اعتباری در برگیرنده خطرهای متعددی است از جمله اینکه ممکن است تا زمان سررسید، ارزش پول در یک اقتصاد به دلیل تورم، رکود و یا به دلیل نوسانات نرخ ارز تغییر کند، علاوه بر تغییر ارزش اعتبار، ممکن است نرخ سودها تغییر کند. از همه مهم‌تر و فارغ از خطرهای مذکور، خطر عدم بازپرداخت یک اعتبار، بسیار مهم است که وثیقه در خصوص خطر ناشی از بازپرداخت می‌تواند مفید واقع شود. خطر اخیر نیز دو نوع است: خطر ناشی از عدم بازپرداخت به موقع اعتبار و خطر ناشی از عدم بازپرداخت اعتبار، که البته اعتبار نیز شامل اصل اعتبار و سود آن می‌شود. یک سرمایه‌گذار زمانی که می‌داند یک حق مسلم قانونی، جهت مراجعه به دارایی‌های بدهکار، در زمان عدم پرداخت بدهی دارد، کاملاً خطر سرمایه‌گذاری را

۱. Risk reduction

متفاوت ارزیابی خواهد کرد و تصمیمی متفاوت در خصوص سرمایه‌گذاری اتخاذ می‌کند.

کاهش خطر ناشی از وثیقه از دو طریق حاصل می‌شود؛ کارکرد مثبت و کارکرد منفی. کارکرد مثبت آن است که وثیقه گیرنده می‌تواند در صورت عدم ایفای دین، آن را اجرا و طلب خود را وصول کند. در رویکرد منفی در واقع اعتباردهندگان درصدد هستند تا محافظی در مقابل اشخاص ثالث ایجاد کنند. به عبارت دیگر تأمین کنندگان اعتبار و سرمایه‌گذاران درک می‌کنند که با پرداخت اعتبار و سرمایه‌گذاری، با خطرهای تجاری مواجه هستند و تلاش می‌کنند تا این مشکلات را با مدیون در میان گذاشته و راه حل آن را بیابند. حال اگر اشخاص ثالث حق وثیقه ای را نسبت به اموال مدیون به دست بیاورند و اجرا کنند یا مدیون را به سمت ورشکستگی ببرند، تلاش‌های آنها عقیم و بی‌نتیجه می‌ماند. از اینرو تأمین کنندگان اعتبار و وثیقه‌گذاران، عمدتاً وثیقه می‌گیرند تا از تقدم حق وثیقه اشخاص ثالث جلوگیری کنند. در این موارد حق وثیقه در وهله اول برای اجرا استفاده نمی‌شود، بلکه کارکرد آن جلوگیری از اجرای حقوق وثیقه توسط اشخاص ثالث است. بنابراین کارکرد منفی وثیقه، جلوگیری از اخذ وثیقه توسط اشخاص ثالث به صورت مقدم و اجرای آن است.

وثیقه با کاهش خطر ناشی از اعطای اعتبار، بر ارزش اقتصادی خود می‌افزاید و بدین وسیله سبب تأثیر وثیقه بر اقتصاد خرد می‌شود. به طور کلی ارزش اقتصادی وثیقه می‌تواند با قاعده‌ای ساده تعیین شود؛ به این صورت که ارزش اقتصادی بر اساس کاهش خطر ناشی از وثیقه مشخص می‌شود بدین معنا که هر چه خطر پرداخت اعتبار کاهش یابد، ارزش وثیقه برای وام دهنده بیشتر می‌شود. از این رو می‌توان گفت عملکرد کاهش خطر وثیقه چهار اثر مهم بر اقتصاد از منظر اقتصاد خرد دارد: هزینه‌های اعتبار را کاهش می‌دهد، دسترسی به اعتبار را افزایش می‌دهد، افزایش مدت اعتبار و به عبارتی مدت اعطایی به بدهکار جهت بازپرداخت را افزایش می‌دهد و سبب برقراری تناسب بیشتر بین دین و سهام می‌شود، یعنی نسبت بین



اعتبار و سرمایه گذاری، که طلبکار بر اساس آن آماده توافق با مدیون است، تأثیر بگذارد.

۲-۱-۲. تغییر خطر^۱

عملکرد دیگر وثیقه در اقتصاد خرد، جلوگیری از تغییر خطر است. با توجه به اینکه طلبکار ممکن است در مقابل خطرهایی از قبیل وجود طلبکاران متعدد برای اعتبار گیرنده مواجه شود و یا دارایی‌های اعتبار گیرنده از میزان بدهی‌های وی، کمتر باشد یا به مرور کمتر گردد، یا اموال وی به صورت پراکنده و به راحتی در دسترس نباشد کریس هیگسون^۲ به وضوح خطرهایی که تأمین کننده اعتبار در زمان امضای با آن مواجه است را مشخص می‌کند. مدیون ممکن است دین بیشتری، با حق تقدم معادل یا حتی بالاتر، ایجاد کند همچنین احتمال دارد. مدیون اموالی را که طلبکار در صدد گرفتن آنها به عنوان وثیقه است، را به عنوان سود سهام یا دستمزد توزیع کند؛ وی ممکن است استراتژی‌های سرمایه گذاری پر خطری را در پی گیرد، همچنین ممکن است با سرمایه گذاری منفعتی به دست بیاورد، اما هزینه‌هایی ممکن است به وسیله بدهی ایجاد شود (Higson, 1995, p.233). در واقع متقاضی اعتبار، ممکن است به ضرر تأمین کننده اعتبار اقدام کند، مثلاً پس از اخذ اعتبار نسبت به کارگیری آن در پروژه‌های باخطر بالا اقدام و در نتیجه از بازپرداخت اعتبار ناتوان گردد، در نتیجه ضرر عدم بازپرداخت اعتبار، به تأمین کننده تحمیل می‌شود. این خطرها با توجه به وجود وثیقه پوشش داده می‌شود چراکه بدهکار اموالش را برای زمان نقض عهد سپرده است. جدای از مبانی اقتصادی آن، متقاضی اعتبار است که مزایای

۱. Prevention of risk shifting

۲. Chris Higson

پرداخت یا بازپرداخت را می‌سنجد، بدین صورت که اگر نقض عهد^۱ کند، این وام را دارد اما در آینده دیگر دسترسی به وامی ندارد.^۲ وثیقه این خطر را به نحو مطلوب-تری مدیریت می‌کند؛ زیرا اگر برای تأمین اعتبار، از متقاضی وثیقه اخذ شود، اثر آن این است که متقاضی (یا شخص ثالث وثیقه‌گذار) اموال خودش را در صورت عدم پرداخت دین دارای وثیقه، در خطر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر اموال موضوع وثیقه در صورت عدم پرداخت یا بازپرداخت اعتبار، در خطر قرار می‌گیرد و ممکن است وثیقه‌گذار آنها را از دست بدهد؛ لذا متقاضی اعتبار از اتخاذ رویکردهای پرخطر برای استفاده از اعتبار خودداری می‌کند و اگر هم چنین نکرد، تمامی خطر بر عهده خود او است و به تأمین‌کننده اعتبار چیزی تحمیل نمی‌شود، زیرا تأمین‌کننده می‌تواند از محل فروش وثیقه، طلب خود را وصول کند. همچنین در اعتبارهای با وثیقه، میزان وثیقه می‌تواند با اندازه وام تنظیم شود و این موضوع نیز به اداره مطلوب آن کمک می‌کند. از این عملکرد وثیقه به عنوان جلوگیری از تغییر خطر نام برده می‌شود. وثیقه باعث می‌شود تلاش‌ها برای اجتناب از قصور افزایش یابد، بنابراین وثیقه موجب ارتقاء عملکرد گذشته نگر می‌شود (کشاورز حداد و حیدری، ۱۳۹۴، ص ۳۳۲). برخی مطالعات حاکی از آن است که گروگذاری وثیقه موجب می‌شود که مشتری تلاش بیشتری را برای کاهش احتمال قصور خود انجام دهد (Thakor and Udell, 1991, p.458).

۲-۱-۳. افشای اطلاعات در خصوص بدهکار

۱. Moral hazard

۲. برای مطالعه رجوع کنید به: ماده ۱۱ آیین نامه وصول مطالبات و معوقات بانکی صادره از سوی بانک مرکزی در خصوص نحوه برخورد با بدحسابان بانکی.



عملکرد دیگر وثیقه، افشای اطلاعات در خصوص بدهکار^۱ است که سبب می‌شود تا حدودی انگیزه بدهکار نسبت به بازپرداخت بدهی برای اعتبار دهنده مشخص شود؛ زیرا یک سرمایه‌گذار جدی، تمایل دارد که وثیقه گذارد چراکه اراده جدی جهت بازپرداخت بدهی دارد و به واسطه اعطای وثیقه، این اطمینان خاطر را به اعتباردهنده نیز می‌دهد؛ اما کسی که قصد بازپرداخت ندارد، حاضر نیست دارایی خود را به وثیقه سپارد چراکه عزم جدی برای بازپرداخت آن ندارد به عبارتی «اشخاص با ریسک بیشتر، تعهد کمتری نسبت به اشخاص با ریسک کمتر در ارائه وثیقه دارند، زیرا تسهیلات گیرندگان با ریسک تمایل به ارائه وثیقه مطمئن تر ندارند، چون مستلزم هزینه است.» (قوامی؛ سیدنورانی؛ محمدی؛ رنجبر، ۱۳۹۵، ص ۱۱۶) بنابراین وثیقه اطلاعاتی در مورد متقاضی اعتبار در اختیار تأمین کننده اعتبار قرار می‌دهد، اینکه آیا وی متقاضی واقعی است و قصد بازپرداخت اعتبار دارد یا قصد بازپرداخت ندارد.

۲-۲. کارکرد وثیقه از دیدگاه اقتصاد کلان

تاثیر عملکرد وثیقه محدود به اقتصاد خرد نمی‌شود و بر اقتصاد کلان نیز اثرگذار است. عملکرد کاهش خطر وثیقه، به طور کلی سبب کاهش نرخ بهره برای اعتبارات با وثیقه می‌شود. این امر سبب می‌شود تا اشخاص بیشتری امکان استفاده از اعتبار داشته باشند و هزینه‌های دریافت اعتبار نیز کاهش یابد. اگر فروشندگان اعتباری، خطر عدم پرداخت از سوی خریدار را کاهش یافته ارزیابی کنند، به تدریج این نوع فروش‌ها افزایش می‌یابد و منبع اعتبار در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد و نهایتاً سبب رونق اقتصادی بیشتر می‌شود. عملکرد کاهش خطر وثیقه، سبب افزایش میزان اعتبارات موجود در اقتصاد می‌گردد؛ چراکه اعتباردهندگان با مناسب دیدن شرایط اعطای اعتبار و اطمینان بیشتر از بازگشت سرمایه خود، به اعطای اعتبار ترغیب می‌-

۱. Information about the debtor

شوند. این موضوع سبب دسترسی بیشتر به اعتبار و در نتیجه افزایش سرمایه‌گذاری و تولید می‌شود. از طرفی وثیقه با قابلیت کاهش خطر و کارکرد ارائه اطلاعاتش می‌تواند هزینه‌های معاملات و به طور خاص هزینه‌های اطلاعات مورد نیاز قراردادهای اعتباری، که بخشی از هزینه معاملات محسوب می‌شود، کاهش دهد و در نتیجه سبب تخصیص مناسب و اقتصادی منابع گردد (Röver, 2010, p.491).

۳. تحلیل اقتصادی معاملات باوثیقه بر اساس نظریه نقض کارآمد

در دیدگاه تحلیل‌گران اقتصادی حقوق، قراردادها تأسیس اقتصادی مهمی هستند، چراکه باعث تخصیص کارآمد کالاها و خدمات می‌شوند و حقوق قراردادی، باعث تسهیل برآورده ساختن اهداف متعاقدين به صورت کارآمد است (Posner, 2003, p. 118-119). از دیدگاه اقتصادی، مبارزه با فرصت طلبی،^۱ کاستن از هزینه‌های معاملاتی،^۲ جلوگیری از بی‌احتیاطی در فرایند معامله،^۳ تخصیص خطر، اجرای معاملات کارآمد و اصلاح قرارداد ناقص به عنوان اهداف حقوق قراردادی برشمرده شده است (انصاری، ۱۳۹۳، ص ۱۵۱-۱۴۰). معاملات باوثیقه با عملکرد نظم دهنده، انگیزه بدهکار و طلبکار نسبت به معامله را هم‌تراز می‌کند بدین صورت که، پیش بینی یک نظام جامع معاملات با وثیقه سبب می‌شود تا طلبکاری که نسبت به اعطای یک اعتبار باوثیقه اقدام می‌کند، نیازی به بررسی پیش نیازهای مختلف ابزارهای وثیقه متعدد دیگر نداشته باشد و امتیازها و زیانهای نسبی آنها را ارزیابی

۱. Opportunism

۲. Reducing transaction costs

۳. Discouraging carelessness in the exchange process



کند. به همان نسبت هزینه‌های طلبکاران وثیقه‌گذار یا مدیر تصفیه در ورشکستگی وثیقه‌گذار کاهش می‌یابد. ساده کردن این مسئولیت‌ها، نه فقط هزینه ایجاد حق وثیقه را کاهش می‌دهد، بلکه هزینه اجرا و در نهایت هزینه‌های کلی اعتبار باوثیقه را نیز پایین می‌آورد.

با تمسک به تحلیل اقتصادی نهادهای حقوقی، تصویر روشنی از میزان مطلوبیت تغییرات حقوقی مدنظر نظام های حقوقی، به دست می‌آید. (Mackaay, 2013, p.27) در تحلیل اقتصادی حقوق، کارآیی اقتصادی به عنوان یک مطلوب و یکی از عوامل سازنده و تأثیرگذار در حقوق، مورد توجه است. در تحلیل اقتصادی نهادهای حقوقی، تحلیلگران اقتصادی از نظریات و رویکردهای مختلفی جهت تحلیل اقتصادی بهره می‌برند اما عنصر مشترک در همه این نظریات، کارایی است. با توجه به ماهیت معاملات باوثیقه که ویژگی اصلی آن، پیش‌بینی ضمانت اجراهای لازم، برای زمان نقض تعهد است، کارایی اقتصادی معاملات باوثیقه با تمسک به نظریه نقض کارآمد قرارداد، که از بدیع ترین نظریات در تحلیل اقتصادی معاملات و ضمانت اجراهاست ارزیابی می‌گردد.

۳-۱. نظریه نقض کارآمد

در تحلیل اقتصادی حقوق، نهادهای حقوقی بر مبنای کارایی اقتصادی^۱ مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. علی‌رغم وجود معیارهای مختلف از جمله معیار پارتویی و کالدور و هیکس، معیار به حداکثر رساندن ثروت ریچارد پوزنر، از مشهورترین نظراتی است که تاکنون در این باب ارائه شده است و بیان می‌دارد که کارایی، در حالتی وجود دارد که منابع، در اختیار اشخاصی باشد که برای آن، بیشترین ارزش را قائل هستند و حاضرند برای داشتن آن منابع، بیشترین مبلغ را پرداخت کنند (بادینی، ۱۳۸۲، ص

۱. Economic efficiency

۱۰۳). بر اساس این دیدگاه هر عملی که موجب افزایش ثروت شود، عادلانه و مباح است. اهمیت کارایی اقتصادی و محوریت آن در تحلیل‌های اقتصادی حقوق به ویژه در تحلیل اقتصادی قراردادها، سبب پیدایش نظریه نقض کارآمد^۱ شده است که می‌توان آن را از مهمترین نوآوری‌های مکتب تحلیل اقتصادی حقوق دانست (Posner, 2003, p.118-119).

بر اساس نظریه نقض کارآمد قرارداد، چنانچه نقض قرارداد و جبران خسارت طرف مقابل از اجرای اصل تعهد کارآمدتر باشد، متعهد می‌تواند تعهد را نقض کرده و خسارت متعهدله را جبران کند. به عبارتی از آنجا که هدف حقوق برقراری و گسترش عدالت است و تحلیلگران اقتصادی، عدالت را چیزی جز کارایی اقتصادی نمی‌دانند پس نقض کارآمد قرارداد، مشروع است؛ زیرا منجر به تخصیص مطلوب منابع می‌شود. تخصیص مطلوب منابع نیز چنین فرض شده است که در جایی که کالایی برای شخصی، بیشتر از متقاضی اول، ارزش دارد و حاضر به پرداخت بهای بیشتر برای تحصیل آن باشد راه حل بسیار کارآمد آن است که وی بتواند آن کالا را به دست آورد (Linzer, 1981, p.111) در این رویکرد، اجرای تعهدات قراردادی هدف است و ذات آن عادلانه به شمار نمی‌رود. در نتیجه ضمانت اجرای حقوق قراردادی باید به گونه‌ای در نظر گرفته شود که متعهد بین اجرای تعهد از یک طرف و عدم اجرا و پرداخت خسارت از طرفی دیگر، مختار باشد (Smith, 2004, p.117). هنگامی که ناقض قرارداد بتواند خسارت ناشی از عدم اجرای تعهد را در حق متعهدله جبران کند، چنین نقض قراردادهایی، کارآمد است. به عبارت دیگر مسئولیت قراردادی و ضمانت اجراها باید برای جلوگیری از نقضی که موجب ورود ضرر به طلبکار می‌شود بسیار سرسخت و برای جلوگیری از اجرای ناکارآمد قرارداد به اندازه کافی انعطاف پذیر و

۱. Efficient breach theory (EBT)



نرم باشد به طوری که مال و یا خدمت موضوع تعهد، همواره در اختیار کسی قرار گیرد که بیشترین ارزش را برای آنها قائل است (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۴۵).

۲-۳. شرایط و آثار نقض کارآمد قرارداد و جایگاه آن در حقوق ایران

نقض در جایی کارآمد تلقی می‌شود که دو طرف قرارداد از نقض قرارداد، سود بیشتری می‌برند. همچنین در صورتی که در اثر پیمان شکنی، حداقل شرایط یکی از طرفین بهتر از قبل شود و به وضعیت دیگری لطمه‌ای وارد نشود، چنین نقضی نیز از نظر اجتماعی کارآمد است (ر.ک به: انصاری، ۱۳۹۰، ص ۵۷-۳۹). از این رو شرط اصلی عدم ورود زیان به متعهدله است بدین معنا که یا نقض قرارداد خسارتی به متعهدله وارد نکند و یا در صورت ایراد خسارت، تمامی آن توسط متعهد جبران شود. پیمان شکن، حقوق طلبکار را غصب نمی‌کند و سودی که به دست می‌آورد ناشی از بی مسؤولیتی نیست بلکه همیشه تعهد به جبران آن تا زمانی که عدالت برقرار شود پابرجاست. ماهیت این نوع از معاملات، هرچند قبح اخلاقی عدم پایبندی به قرارداد را به طور کامل رفع نمی‌کند و اما بستر را برای کارایی و استفاده بهتر از منابع فراهم می‌کند؛ زیرا می‌تواند تمامی زیانی که به سبب نقض قرارداد، متوجه متعهدله می‌شود را پوشش دهد و نقض را کارآمد نماید بدین صورت که مهمترین رکن در خصوص نقض کارآمد، نفع طرفین در نقض و یا حداقل نفع یک طرف و عدم ورود زیان به طرف دیگر است. اثر نقض کارآمد قرارداد، نیز استفاده بهتر از منابع و افزایش کارایی است. به عنوان مثال در جایی که اجرای تعهد برای طرفین، هزینه‌هایی را در بردارد که عملاً تحصیل سود منتفی می‌گردد در چنین مواردی تحلیل گران حقوق اقتصادی، نقض قرارداد را جایز دانسته‌اند چرا که نقض، موجب استفاده بهتر از منابع و در نهایت کارایی می‌شود (Friedman, 1989, p.24). در واقع مفهوم تعهد قراردادی و اثر آن، از دیدگاه اقتصادی و بر خلاف دیدگاه اخلاقی که پیمان شکنی را

نهی می‌نماید، امکان نقض قرارداد و پرداخت خسارت در زمانی است که نقض، سبب افزایش کارایی می‌شود.

در حقوق ایران، فارغ از مباحث اخلاقی، تقدم انجام عین تعهد بر فسخ قرارداد، یکی از ویژگی‌های نظام حقوقی به شمار می‌رود و اصل لزوم و حق متعهدله درباره اجرای اجباری اصل تعهد،^۱ مانع از نقض کارآمد قرارداد می‌شود و از تخصیص کارآمد منابع پیشگیری می‌کند (محمدی و کدیور، ۱۳۹۵، ص ۲۸۰) با این وجود تلاش‌هایی در خصوص امکان پذیرش آن در نظام حقوقی ایران صورت گرفته است (ر. ک به: انصاری، بادینی و شاهی دامن جانی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۸-۱۷۹؛ محمدی و کدیور، ۱۳۹۵، ص ۲۹۵-۲۷۵). در نظام حقوقی کامن‌لا از قبیل آمریکا و انگلستان بستر لازم جهت پذیرش نظریه نقض کارآمد و اعمال آن به عنوان یکی از ضمانت اجرای تخطی از انجام تعهد، فراهم است چراکه در این نظام‌های حقوقی، پرداخت خسارت قاعده کلی است و اجرای اجباری اصل تعهد، جنبه استثنایی دارد و هدف تنبیه پیمان شکن نیست بلکه جبران خسارت زیان دیده است. در این نظام‌ها تقصیرهای سود آور از قبیل نقض قرارداد آزادی بیشتری دارد (انصاری، ۱۳۹۳، ص ۵۴۵).

۳-۳. تحلیل معاملات باوثیقه

در این نوشتار با علم به اینکه، در نظام حقوقی فعلی، مبنا و تحلیل اصول حاکم بر قراردادهای بیشتر بر اساس معیار تأمین انتظارات است (عیسائی تفرشی و ابدالی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۱). در صدد پذیرش امکان نقض قرارداد به دلیل عدم کارایی نیستیم، چراکه با توجه به موازین قانونی، فقهی و اخلاقی، پذیرش آن در حقوق

۱. در ماده ۲۳۷ قانون مدنی آمده است: «هرگاه شرط در ضمن عقد، شرط فعل باشد اثباتاً یا نفیاً، کسی که ملتزم به انجام شرط شده است باید آن را به جا بیاورد و در صورت تخلف، طرف معامله می‌تواند به حاکم رجوع نموده تقاضای اجبار به وفای شرط بنماید.»



کشورمان با تردیدهای جدی مواجه است (قاسمی حامد و نواریان، ۱۳۹۰، ص ۱۰۶)؛ اما با توجه به کارکرد انتقادی و هنجاری نگرش اقتصادی و در راستای ارزیابی کارایی معاملات باوثیقه و فراهم نمودن زمینه تغییر در نهاد این معاملات، نظریه نقض کارآمد مناسبترین معیار، صرفاً جهت سنجش کارایی اقتصادی این معاملات است زیرا نهایت کارایی معاملات باوثیقه در این فرض شده است که حتی با نقض قرارداد، در عمل ضرری متوجه یکی از طرفین نگردد و با پیش‌بینی امکان نقض عهد، مفاد قرارداد تدوین گردد و حتی بستر برای متعهد اصلی نیز فراهم باشد تا ضمن پیش‌بینی شفاف عواقب نقض و با توجه به معیار کارایی، به نقض کارآمد قرارداد اقدام نماید، نقضی که در نتیجه، آثار اجتماعی بهتری نیز دارد و باعث افزایش ثروت می‌شود.

معاملات باوثیقه همانگونه که از تعریف آن مشخص است ویژگی متمایز این نوع از معاملات، پیش‌بینی راهکار مبتنی بر آینده‌نگری در فرض عدم ایفای تعهد و به عبارتی آینده‌نگری در راستای پوشش خطر است. تأمین‌کنندگان اعتبار برای پوشش خطر و اطمینان از بازپرداخت تسهیلات و بازگشت سرمایه، از گیرندگان اعتبار طلب وثیقه می‌کنند تا در صورتی که وی از بازپرداخت اصل و فرع بدهی خود سرباز زد و به تعهدات قراردادی عمل نکرد سرمایه آنها به همراه فروعاتش از بین نرود. نظام معاملات باوثیقه در این خصوص به دو صورت به ایفای نقش می‌پردازد و در این رویکرد اقتصادی به حقوق مؤثر واقع می‌شود. نخست؛ این معاملات با توجه به ماهیت آن که همراه با یک حق وثیقه است، نظام حقوق قراردادی را به سمت کارایی بیشتر سوق می‌دهد بدین صورت که با پیش‌بینی آثار نقض تعهد و حقوق و تکالیف طرفین در قرارداد، بستر را برای اعمال نقض کارآمد قرارداد فراهم می‌کند؛ چراکه همچنانکه گذشت شرط اصلی جهت اعمال آن، سود بردن طرفین معامله و یا حداقل سود یک طرف و عدم زیان دیگری است. از این رو این قراردادهای به دلیل پیش‌بینی‌های صورت گرفته در آن، شرایط را برای ارزیابی و تشخیص کارآمدی نقض،

تسهیل می‌کند و تا راحت‌تر بدین سؤال پاسخ داده شود که آیا نقض قرارداد به صورت کارآمد صورت گرفته است؟

ثانیاً نظام جامع معاملات باوثیقه سبب می‌شود تا در فرضی که نقض تعهد، به سود یک طرف است، چراکه انجام تعهد به هیچ وجه از نظر اقتصادی توجیهی ندارد و به عبارتی سود شخص، در جلوگیری از ورود زیان گزاف ناشی از اجرای اصل تعهد است، خسارت وارده به متعهدله کاهش یابد و امکان جبران و وصول راحت طلب، از محل وثایق، به طور کامل و در کمترین زمان فراهم شود با این توضیح که فقدان یک نظام جامع معاملات باوثیقه، سبب می‌شود تا اولاً میزان خسارت وارد شده به متعهدله به راحتی قابل تعیین نباشد و یا در فرضی که قابل تعیین است به دلیل فرآیندهای زمانبر، این خسارت افزایش یابد و یا پرداخت آن در مدت زمان مناسبی صورت نگیرد و عملاً سبب زیان متعهدله ناشی از نقض قرارداد شود. به طور کلی فقدان چنین نظام معاملاتی سبب می‌شود تا ضمن اینکه هزینه‌های لازم جهت جبران خسارت متعهدله افزایش می‌یابد، بستر لازم جهت نقض کارآمد قرارداد که امری مطلوب توصیف شد فراهم نگردد. از دیدگاه تحلیل گران اقتصادی حقوق، ضمانت اجرای قراردادی باید به نحوی مقرر شوند که در فرض نقض تعهدات، با کمترین هزینه، بیشترین حمایت را از منافع متعهدله به عمل آورند و منجر به تخصیص کارای منابع شوند (Miceli, 1997, p.88).

در این خصوص نظام جامع معاملات باوثیقه می‌تواند ضمن شناسایی و پوشش کامل زیان وارده به متعهدله، مهمترین رکن این نقض را تأمین کرده است تا نقض کارآمد صورت گیرد؛ اما در نظام حقوقی کنونی، نهاد معاملات باوثیقه، قواعد جامع و منسجمی ندارد تا جایی که در ارزیابی‌های بین‌المللی، فقدان این نظام جامع سبب شده است تا کشورمان از ده امتیاز اختصاص داده شده بدین موضوع، تنها دو امتیاز کسب کند (Doing business, 2018, p.35) که در بند بعدی به معضلات نظام حقوقی اشاره خواهد شد. اما آنچه حائز اهمیت است و محرز گردید اینکه معاملات و پیش-



بینی نظام جامع معاملات با وثیقه می‌تواند کارایی اقتصادی داشته باشد؛ چراکه در فرضی که انجام تعهد، برای هریک از طرفین صرفه اقتصادی نداشته باشد، نقض قرارداد باعث ضرر و زیان یک طرف نخواهد شد زیرا اصل سرمایه و میزان بهره آن، با پیش‌بینی وثیقه مناسب پوشش داده شده است و وثیقه‌گذار نیز با مدنظر قراردادن این موضوع که در زمان نقض باید اصل سرمایه و بهره متعلق بدان را پرداخت کند اقدام به نقض قرارداد کرده است از این رو نقض قرارداد، کارآمد تلقی می‌شود؛ چرا که وثیقه‌گذار نیز با نقض قرارداد، از ضرر مسلم بزرگتر جلوگیری کرده است که خود مصداق بارز سود است. تنها چیزی که در این بین اهمیت دارد امکان وصول راحت طلب از محل وثایق است، البته در فرضی که وثیقه‌گذار راساً نسبت به انجام تعهد جایگزین، که همانا پرداخت اصل و بهره سرمایه اعطایی طبق قرارداد است اقدام نکند.

۴. معضلات نظام معاملات با وثیقه با توجه به تحلیل اقتصادی این معاملات بر مبنای نظریه نقض کارآمد و ضرورت اصلاح نظام قانونی آن

با توجه به بررسی اقتصادی وثیقه و معاملات با وثیقه، اهمیت نظام جامع معاملات با وثیقه در توسعه اقتصادی تبیین شد. ضرورت اصلاح نظام‌های حقوقی معاملات با وثیقه با توجه به برنامه‌های توسعه اقتصادی و در راستای استفاده از سرمایه-گذاری خارجی به ویژه پس از فراهم شدن بستر نسبی آن در سالهای اخیر، امری غیر قابل کتمان است. تجربه‌های بسیاری مؤید این مطلب است که حقوق با وثیقه می-تواند درها را به روی رشد اقتصادی بیشتر باز کند (McCormack, 2013, p.60). در ذیل به برخی از مهمترین این معضلات نظام حقوقی معاملات با وثیقه کشور اشاره می‌شود.

۴-۱. مقررات موازی و پراکندگی آن

مطابق قانون مدنی تنها ابزار توثیق، عقد رهن مقرر در مواد ۷۷۱ الی ۷۹۴ قانون مدنی است. مقررات قانونی مربوط به عقد رهن و محدودیتهای و شرایط اختصاصی آن از جمله بطلان رهن دین و منفعت و ... نمی‌تواند نیازهای جدید نظام اقتصادی را تأمین کند. مؤید این مطلب تصویب مقررات متفرقه در برخی حوزه‌ها از جمله حوزه بانکی است^۱ که سعی شده است تا خلأ موجود پوشش داده شود و با وضع مقرراتی، شرایط مقرر در قانون مدنی تعدیل و نیازهای تجارت و فعالیت‌های اقتصادی امروزی تأمین شود اما منسجم نبودن و تشریفات گسترده این قوانین، امکان ابطال و یا تزلزل آن‌ها را در پی داشته است و فقدان نظام جامع معاملاتی که این مقررات پراکنده را همچون نظام حقوقی آمریکا^۲ تحت پوشش قرار دهد سبب شده است که هنوز سازوکارهای مناسب اجرایی آن و بالواقع پذیرش واقع آن صورت نگرفته باشد تا جایی که تصویب قوانینی چون عدم الزام به توثیق وثایق ملکی، از عوامل مؤثر در معوق شدن مطالبات بانکها و نهایتاً تضعیف پشتوانه آن‌ها نام برده شده است (شعبانی و جلالی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۵) تلاشهای حقوقدانان در تفسیرهای موسع و تمسک آنها به ماده ۱۰ قانون مدنی در راستای پاسخ به نیازهای اقتصادی و تجاری

۱. الف: ماده ۱ قانون تسهیل اعطاء تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجرای طرحهای تولیدی و افزایش منابع مالی و کارآیی بانکها مصوب ۱۳۸۶/۴/۵

ب: تبصره ۱ ماده واحده قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی در بخشهای مختلف اقتصادی (با تأکید بر قانون عملیات بانکی بدون ربا) مصوب ۱۳۸۵/۲/۱

ج: قانون عدم الزام سپردن وثیقه ملکی به بانکها و دستگاهها و سایر مؤسسات و شرکت های دولتی به منظور تسهیل امر سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال بیشتر در طرحهای تولیدی و صادراتی مصوب ۱۳۸۰/۳/۲۷

د: قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی در بخشهای مختلف اقتصادی (با تأکید بر قانون عملیات بانکی بدون ربا) مصوب ۱۳۸۵/۲/۱

۲. Article 9 of the Uniform Commercial Code of the United States of America



جدید صورت گرفته است (کریمی، ۱۳۷۶، ص ۳۶) امری که سبب عدم شفافیت، انسجام و جامع نگری نظام حقوقی گردیده است. مقررات پراکنده در حوزه معاملات باوثیقه، عدم توجه به کارکرد معاملات و وجود نهادهای موازی با مقررات متفاوت از جمله مواد قانون ثبت در خصوص معاملات با حق استرداد، عدم پیش‌بینی شفاف و منسجم قواعد حق تقدم سبب شده است تا طرفین معاملات باوثیقه، به ویژه سرمایه‌گذاران خارجی امکان پیش‌بینی و ارزیابی نظام قانونی در خصوص معاملات باوثیقه را نداشته باشند و یا در راستای دسترسی بدان، مجبور به صرف وقت و هزینه‌های زیاد گردند که این امر سبب بی‌میلی آنان نسبت به سرمایه‌گذاری شود و یا در فرض خوشبینانه آن، افزایش هزینه‌های تحصیل اعتبار را در پی داشته باشد. این رو پراکندگی قوانین یکی از معضلات بزرگ نظام حقوقی ما تلقی می‌شود، معضلی که دیگر نظام‌های حقوقی از قبیل آمریکا نیز تا قبل از پذیرش قانون متحدالشکل تجاری^۱ که به یکسان‌سازی قواعد مربوط به چنین قراردادهایی پرداخت، در بیشتر ایالت‌های آمریکا وجود داشت (White and summers, 1979, p.859). راهنمای قانونگذاری آنسیترال در خصوص معاملات باوثیقه،^۲ که توسط بسیاری از کشورها جهت اصلاح نظام معاملات باوثیقه مورد بهره‌برداری قرار گرفته است، معتقد است که نباید چندگانگی در زمینه معاملات باوثیقه وجود داشته باشد و همه معاملاتی که به موجب آن، برای تضمین اجرای یک تعهد، حقی در اموال ایجاد می‌شود به عنوان معامله باوثیقه تلقی شده و تحت شمول اصول و قواعد یکسان قرار گیرد UNCITRAL Legislative Guide on Secured Transactions, (2010, p.62). جامعیت، یکپارچگی و برخورد یکسان با منابع گوناگون اعتبار و شکل‌های مختلف معاملات باوثیقه با هدف ایجاد رقابت سالم بین همه تأمین‌کنندگان بالقوه اعتبار، از جمله تأمین‌کنندگان خارجی، سبب جلب بیشتر سرمایه به ویژه سرمایه‌های خارجی می‌شود.

۱. the Uniform Commercial Code of the United States of America

۲. UNCITRAL Legislative Guide on Secured Transactions

افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثرات مثبتی بر متغیرهای کلان اقتصادی همچون کاهش نرخ بهره، کاهش نرخ ارز، افزایش رشد اقتصادی، افزایش درآمد مالیاتی دولت، بهبود توزیع درآمد، انتقال تکنولوژی، افزایش اشتغال و توسعه صادرات دارد (میراحسنی، ۱۳۹۶، ص ۱).

۴-۲. قبض

در نظام حقوقی ما لزوم قبض که در ماده ۷۷۱ قانون مدنی بدان اشاره شده است مانعی در راستای بهره‌مندی اشخاص از تمامی ارزش دارایی هایشان در روند معاملات اعتباری و استقراض است و امکان انتفاع از آن اموال برای وثیقه گذار منتفی می‌گردد و این موضوع سبب می‌شود تا بسیاری از دارایی‌ها از جمله برخی اموال منقول، مطالبات و اموال غیرمادی متقاضیان اعتبار، قابلیت توثیق نیابند و ارزش اقتصادی نهفته آنان، استفاده نشود. اقتصاد آمریکا در اواخر قرن نوزدهم میلادی، با تحولات عظیمی روبرو گردید به نحوی که رشد بنگاههای تجاری آغاز و نیاز به جذب اعتبار نیز بیشتر شد از این رو نیاز به ابزارهای جدید توثیق بیش از پیش احساس شد و وثیقه بدون قبض که شامل وثیقه اموال منقول بدون قبض نیز می‌شد رواج یافت (Gilmore, 1951, p.28-30). در راهنمای قانونگذاری آنسیترال در خصوص معاملات با وثیقه،^۱ امکان توثیق بدون قبض همه اموال به عنوان یک هدف ترسیم شده است. از منظر راهنمای آنسیترال اعطای وثیقه نباید سبب توقف ادامه فعالیت تجاری وثیقه گذار شود. بدین معنا که وثیقه گذار نباید ملزم به قبض اموال موضوع وثیقه به طلبکاران با وثیقه باشد. (UNCITRAL Legislative Guide on Secured Transactions, 2010, p.21)

به نظر می‌رسد با توجه به فضای تجاری حاکم و اقتضائات تجارت فعلی، قابلیت استناد حق وثیقه بدون قبض با ایجاد فرایندی در قالب نظام ثبت جامع برای آگاه سازی اشخاص ثالث نسبت به حق وثیقه موجود، از نیازهای مبرم نظام حقوقی کنونی است. با این هدف که اعطاء

۱. UNCITRAL Legislative Guide on Secured Transactions



حق وثیقه سبب دشواری یا غیر ممکن شدن ادامه فعالیت وثیقه گذار نشود. از طرفی ایجاد حق وثیقه به روش ساده و مؤثر از طریق حذف تشریفات غیرضروری نیز، دسترسی به اعتبار را برای متقاضیان آسان می‌کند و هزینه تحصیل اعتبار جهت امر تولید را کاهش می‌دهد.

۳-۴. عدم استقبال از اموال منقول

از دیگر معضلات نظام حقوقی که عدم استقبال از قابلیت توثیقی اموال منقول است که عمده دلیل آن عدم شناسایی اموال قابل توثیق و محدود بودن دایره آن و ابهام در قواعد مربوط به اموال منقول است و به همین دلیل است که گرایش عمده به پذیرش اموال غیرمنقول به عنوان وثیقه در نظام حقوقی شایع شده است و عملاً ارزش توثیقی اموال منقول، مغفول واقع شده است امری که در انگلستان نیز تا قرن هجدهم نیز مرسوم بود اما بعد از آن، قابلیت اموال منقول نیز مورد توجه قرار گرفت (Ziegel, 1995, p.445). با توجه به تحولات اجتماعی و تغییر شرایط تجارت، علاوه بر استفاده از اموال غیرمنقول، استفاده از ارزش کامل محدوده وسیعی از اموال منقول اعم از مادی و غیرمادی، موجود و آینده، نظیر موجودی کالا^۱ گردش وجوه،^۲ علائم تجاری،^۳ اختراع^۴ و حجم قابل تغییر اموال یا وثیقه شناور^۵ به عنوان وثیقه برای اخذ تسهیلات و اعتبار ضروری است تا شرکت‌ها و مؤسسات با بهره‌مندی از تمامی دارایی‌های خود، امکان جذب سرمایه بیشتر و نهایتاً تولید بیشتر را دارا شوند. محرومیت از ارزش این اموال، یک ضرر اقتصادی و به طور غیرمستقیم سبب عدم دسترسی به تسهیلات و اعتبارات مورد نیاز می‌شود. امروزه در نظام‌های اقتصادی پیشرفته اموال منقول بخش اعظم

۱. Inventory

۲. Cash Flow

۳. Trademarks

۴. Invention

۵. Floating Charge

موضوع قراردادهای توثیقی را شکل می‌دهند برای مثال در آمریکا اموال منقول ۷۰٪ تأمین منابع مالی در جریان تجارت را تشکیل می‌دهد (Kozolchik, 2011, p. 5).

۴-۴. سایر موارد

لزوم عین بودن مال مرهون، وجود دین قبلی و یا سبب آن، عدم وجود نظام منسجم ثبت، عدم امکان اجرای حق وثیقه بدون دخالت مرجع قضایی جز در مواردی که سند رسمی تنظیم می‌شود، عدم شفافیت در مورد حق تقدم بین چند شخص ذینفع و دارای حق وثیقه و فقدان مقررات مربوط به مداخله اشخاص ثالث از جمله کاستی‌ها و نقایص مقررات قانونی موجود است که به طور مفصل در تقریرات نویسندگان حقوقی بدان اشاره شده است. هرچند در مواردی و در زمان وضع مقررات در حوزه حقوق بانکی، از قانونگذار و متعاقباً شورای نگهبان انعطاف بیشتری نسبت به مقررات قانون مدنی شاهد بوده‌ایم، اما محدوده این مقررات جامع و کامل نبوده و قابل تسری به کل نظام حقوقی نیست.

۵. تأکید گزارش‌های بین‌المللی بر لزوم اصلاح قوانین

امروزه کشورهای زیادی دست به اصلاح قوانین خود با اقتباس از راهنماهای قانون-گذاری زده‌اند. تمامی تلاشها در کشورهای مختلف و نهادهای بین‌المللی در راستای از بین بردن حداکثری محدودیت‌ها و تسهیل روند معاملات باوثیقه و دسترسی بیشتر به اعتبار صورت می‌گیرد بدین دلیل که اعتقاد فراگیری وجود دارد که نظام معاملات باوثیقه آزاد، رشد اقتصادی را ارتقا می‌دهد و آزادسازی ارزش وثیقه به منظور قرار گرفتن به عنوان وثیقه یک موضوع بسیار مهم در نظر گرفته شده است. در بازارهای پیشرفته تأمین مالی، وام‌های باوثیقه و بدون وثیقه هم زیستی مسالمت-آمیزی دارند و هر دو شکل اعتبار، جایگاه‌های مهمی در نظامهای پیشرفته دارند. در



نظامهای پیشرفته تأمین مالی، شبیه نظام ایالات متحده آمریکا، تقریباً یک سوم اعتبارات بدون وثیقه است و دو سوم آن با وثیقه است (Fleisig, 2009, p.88). وجود قوانین جامع در خصوص معاملات با وثیقه و به عنوان مثال تعیین شفاف اولویت‌ها، برای سرمایه‌گذاران قابلیت پیش‌بینی، آینده‌نگری و اطمینان خاطر را به همراه دارد این سبب می‌شود در تصمیم‌گیری‌های خود برای اعطای اعتبار از میزان حمایت‌های قانون از منافعشان در مقابل بدهکاران و عدم انجام تعهداتشان آگاه باشد و بر اساس آن تصمیم بگیرند. به عنوان نمونه و در خصوص تأثیر اصلاحات قوانین وثیقه، برخی از مطالعات حاکی از آن است که پس از بررسی اثرات تغییرات حقوقی در خصوص حقوق با وثیقه بر رفتاری وام‌دهی بانکها در ۱۲ اقتصاد در حال گذار، مشخص شد که بانکها بعد از تغییرات حقوقی حمایت بیشتری از اعتبارات می‌کنند و قابلیت وثیقه قرار گرفتن و استفاده از دارایی‌ها به عنوان وثیقه، نقش بسیار مهمی در اعتبارات مورد حمایت اقتصادها دارد (Haselmann and Pistor, 2009, p.549). طبیعتاً بانکها و سایر مؤسسات مالی داخلی و بین‌المللی چنانچه موقعیت آنان به عنوان یک وام‌دهنده و اعتبار دهنده دارای حق وثیقه، در زمان تسویه با قرض گیرندگان مطمئن نباشد یا ابزاری لازم برای اجرای وثیقه به اندازه کافی نداشته باشند در حجم وسیعی اقدام به اعطای وام و اعتبار نخواهند کرد.

گزارش بانک جهانی با عنوان «انجام کسب و کار»^۱ به بررسی میزان سهولت راه‌اندازی و انجام کسب و کار در کشورهای مختلف می‌پردازد و نتایج آن به عنوان شاخصی در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در سطح بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این گزارش به «قدرت حقوق قانونی» به عنوان یکی از دو مؤلفه مؤثر در دریافت اعتبار در کشورمان پرداخته شده است. این مؤلفه به موضوع وثیقه‌گذاری و حقوق طرفین در خصوص وثیقه در راستای تسهیل فرایند اخذ اعتبار به منظور ایجاد

۱. Doing business

کسب و کار می‌پردازد. عدم کارایی قوانین وثیقه و ورشکستگی دلیل اصلی است که سبب شده است تا کشورمان در مؤلفه قدرت حقوق قانونی، از امتیاز اندکی برخوردار باشد. از مهمترین دلایلی که باعث شده است ایران امتیاز کمی از امتیاز اختصاص داده شده به قوانین وثیقه را کسب کند می‌توان به نبود انعطاف در وثیقه‌گذاری اموال منقول در دریافت اعتبار، عدم امکان توثیق دارایی‌های آتی، عدم امکان تسری خودکار قرارداد وثیقه در زمان ایجاد تغییرات در وثیقه و نبود سامانه جامع ثبت وثیقه بر اساس نوع دارایی اشاره کرد (Doing business, 2018, p.35). این موارد نمونه‌ای از کاستی‌های قوانین و مقررات مربوط به نظام وثیقه است که باید نسبت به اصلاح آن اقدام نمود همانگونه که ترکیه با توجه به سیاستهای اتخاذی، در مسیر مدرن سازی گام برداشته و سپس آگاهانه در خصوص قوانین و نهادهای حقوقی از سایر کشورها الگوبرداری کرده است (Orucu, 1999, p.81).

گزارش سالانه آنکتاد،^۱ با توجه به آمار ارائه شده از طرف کشورهای مختلف، به بررسی کمی و کیفی سرمایه‌گذاری خارجی در بیش از ۱۵۰ کشور جهان پرداخته است. با توجه به ظرفیت های بالقوه موجود در کشور، میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران در مقایسه با کشورهای منتخب منطقه پایین است (میراحسنی، ۱۳۹۶، ص ۹). کشورمان به لحاظ دسترسی به مواد اولیه، انرژی، محصولات کشاورزی، مصالح ساختمانی و صنعتی دارای شرایط مناسبی است و لذا امکان جذب سرمایه در کشور وجود دارد ولی از این توانایی بالقوه به خوبی استفاده نشده است که از مهمترین دلایل آن فراهم نشدن بسترهای حقوقی جهت پوشش خطر سرمایه‌گذاری است (حیدری و افشاری، ۱۳۹۱، ص ۱۴۲).

۱. UNCTAD, World Investment Report 2017



همچنین در گزارش پایانی مأموریت هیأت مشاوره‌ای ماده ۴ صندوق بین‌المللی پول^۱ در دسامبر سال ۲۰۱۶ به ایران نیز لزوم توجه به معاملات باوثیقه و اصلاحات در زمینه وثایق مورد تأکید قرار گرفته و عنوان شده است که «اصلاحات لازم در زمینه‌های قانونی و مقرراتی در راستای افزایش جذابیت اقتصاد ایران برای سرمایه‌گذاران خارجی نقشی اساسی دارد» و پیشنهاد می‌کند مجموعه‌ای از اصلاحات جامع و هماهنگ با هدف حمایت از اصلاحات و اولویت‌بخشی به تغییرات حقوقی و قانونی که تسهیل در امور سرمایه‌گذاری را تحقق می‌بخشد، مورد توجه قرار گیرد.^۲

۶. تجربه سایر کشورها

با توجه به اینکه قانون یک وسیله برای تغییرات اجتماعی قلمداد می‌شود، کشورهای مختلفی در سالیان گذشته با تأسی از نمونه‌های قانون‌گذاری از جمله قانون نمونه بانک بازسازی و توسعه اروپایی^۳ و به ویژه راهنمای قانون‌گذاری آنسیترا^۴ در خصوص معاملات باوثیقه، نسبت به اصلاح مقررات خود اقدام کرده‌اند. راهنمای قانون‌گذاری آنسیترا که در بسیاری از کشورها به عنوان یک الگو برای ایجاد و اصلاح نظام معاملات باوثیقه مورد توجه قرار گرفته است اصولی را جهت این موضوع پیشنهاد کرده است که مورد استقبال جمع زیادی از کشورهایی که قصد اصلاح نظام حقوقی معاملات باوثیقه داشته‌اند قرار گرفته است. در سال ۲۰۱۶ هند بالاتر از کشورهایی همچون چین و آمریکا و بدون تغییر نسبت به سال گذشته در

۱. IMF Staff Completes 2016 Article IV Mission to Islamic Republic of Iran

۲. <https://www.imf.org/en/News/Articles/2016/12/19/PR16569-Islamic-Republic-of-IranIMF-Staff-Completes-2016-Article-IV-Mission> (last accessed 27 April 2018)

۳. European Bank for Reconstruction and Development (EBRD)

۴. UNCITRAL Legislative Guide on Secured Transactions

رده نخست جذب «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حوزه‌های سبز»^۱ ایستاد (میراحسنی، ۱۳۹۶، ص ۱). با این حال این کشور در سال ۲۰۱۶ و با بهره‌مندی از راهنمای قانون گذاری آنسیترا ل نسبت به اصلاح قوانین خود در حوزه منافع و معاملات باوثیقه از طریق اصلاح نظام ثبتی و گسترش حوزه معاملات باوثیقه و تعمیم آن به برخی از معاملات جدید از قبیل اجاره به شرط تملیک اقدام نموده و بر انسجام و یکپارچگی نظام معاملاتی خود افزوده است.^۲

از سال ۲۰۱۰ تاکنون ۴۹ کشور دست به ۵۳ اصلاح در تقویت حقوق قانونی و ۷۷ کشور دست به ۱۰۰ اصلاح در تعمیق اطلاعات اعتباری زده اند (غیاثی شهبازی، ۱۳۹۳، ص ۳۷). کشور غنا سریعترین اصلاحات در محیط مقرراتی مربوط به دریافت اعتبار را انجام داده است. کشور غنا نسبت به راه اندازی سیستم ثبت وثیقه در ذیل قانون وام دهندگان و وام گیرندگان^۳ اقدام کرده و بدین وسیله نظام اعتبارات باوثیقه خود را ساماندهی کرده است؛ نظامی که اولویتها را بر اساس زمان ثبت تعیین کرده است.^۴ در گرجستان از طریق اصلاح قانون مدنی در وثیقه گذاری، نظام مبادلات وثیقای گسترش و بهبود یافت به این صورت که فردی که وثیقه‌ای را در رهن گذاشته است اجازه داشته باشد وثیقه خود را به محصولات و یا عایدات ناشی از آن وثیقه نیز تسری بدهد و همچنین بتواند وثیقه خود را جابجا کند. این اصلاحات حول پنج محور مرتبط با مبادلات متکی بر وثیقه به عمل آمد که مواد آن دسامبر

۱. Greenfield

نوعی از سرمایه‌گذاری‌ها است که در حوزه‌های جدید و دست‌نخورده انجام می‌شود و در آن شرکت‌های مادر برای نخستین بار اقدام به احداث واحد اقتصادی جدید در کشور مقصد می‌کنند.

۲. <https://securedtransactionsawreformproject.org/reform-in-other-jurisdictions/asia/india/> (last accessed 27 April 2018)

۳. Borrowers and Lenders Act 2008 (Act 773)

۴. <https://securedtransactionsawreformproject.org/reform-in-other-jurisdictions/africa/ghana/> (last accessed 27 April 2018)



۲۰۰۷ لازم الاجرا شد. مهمترین تغییری که در مؤلفه حقوق قانونی ایجاد شد این بود که در زمان امضای قرارداد تضمین، طرفین قادر به توافق برای اجرای قرارداد در خارج از دادگاه، در خصوص حق وثیقه اعتبار دهنده هستند (غیاثی شهبازی، ۱۳۹۳، ص ۳۷). قوانین کشورهای متعددی با اقتصادها و نظام‌های حقوقی متفاوت از قبیل قانون جدید *PPSA* استرالیا^۱ و قوانین کشورهای کانادا، مکزیک و مالایا با الگوبرداری از مدل‌های قانونگذاری بین المللی از قبیل آنسیترا ل اقدام به اصلاح قوانین خود نموده اند. بسیاری از کشورهای اروپایی از قبیل آذربایجان، بلغارستان، قرقیزستان، مغولستان، لهستان، فدراسیون روسیه، صربستان، مونته نگرو و جمهوری اسلواکی نیز با الگوبرداری از قانون مدل EBRD نسبت به اصلاح قوانین خود در این حوزه اقدام کرده‌اند که پرداختن بدان از حوصله بحث خارج است (Röver, 2010, p. 478).

۷. جمع بندی و نتیجه‌گیری

بررسی کارکرد وثیقه در اقتصاد و همچنین تحلیل اقتصادی نهاد معاملات باوثیقه، اهمیت این نهاد حقوقی در اقتصاد و نقش آن در تسهیل دسترسی به اعتبار و توسعه اقتصادی به ویژه از طریق جلب سرمایه گذاری خارجی را اثبات کرد. کیفیت پایین و عدم کارایی نهاد مذکور، سبب کاهش انباشت سرمایه و در نتیجه کاهش رشد بهره‌وری می‌شود؛ چراکه عدم دسترسی به اعتبار و به ویژه اعتبار کم هزینه، محدودیت اصلی در زمینه توسعه اقتصادی است از این رو در راستای توسعه اقتصادی و بهبود فضای اقتصادی کشور، توجه بیشتر به این نهاد حقوقی و پیش‌بینی نظام جامع معاملات باوثیقه که همپای روند تحولات اقتصادی و تجاری باشد گریزناپذیر است. بررسی نظام حقوقی و به ویژه قانون مدنی، حاکی از وجود معضلات اساسی در این

۱. Personal Property Security Act

بخش از قوانین است که عملاً سبب عدم کارایی اقتصادی نهاد معاملات باوثیقه شده است. آگاهی از این موضوع که عدم اصلاح نظام معاملات باوثیقه، چه آسیب‌های جدی به اقتصاد کشور وارد می‌کند و باعث عدم توجه سرمایه‌گذاران به پتانسیل‌های سرمایه‌گذاری در کشور می‌شود اصلاح نظام حقوقی این معاملات را بیش از پیش نمایان می‌سازد، موضوعی که در گزارش‌های متعدد بین‌المللی نیز بدان اشاره شده است. فارغ از سایر کارکردهای وثیقه در اقتصاد خرد و کلان که بدان اشاره شد، با ایجاد نظام جامع معاملات باوثیقه، بازپرداخت و جبران خسارت احتمالی اعتبار دهندگان پوشش داده می‌شود و باعث ترغیب بانک‌ها و مؤسسات مالی و به طور کلی اعطاکنندگان اعتبار داخلی و خارجی به اعطای اعتبار و تسهیلات باهزینه بسیار پایین خواهد شد. همچنین نظام جامع و شفاف باعث کاهش هزینه‌های تحصیل اعتبار نیز می‌شود. با توجه به افزایش اطمینان طلبکار نسبت به وصول طلب خود، امکان خریدهای اعتباری برای مصرف‌کنندگان فراهم و دوره‌های بازپرداخت بلند مدت‌تر می‌شود و سود به دلیل کاهش خطر عدم پرداخت، کاهش می‌یابد. استقبال گسترده سایر کشورها از اعمال اصلاحات در نظام حقوقی معاملات باوثیقه نیز، مؤید دیگری بر ضرورت اصلاح قواعد حاکم بر این نهاد حقوقی است.

پیشنهاد می‌شود:

در نظام جامعی که برای معاملات باوثیقه پیش‌بینی می‌شود، در درجه اول ساختار منسجم و جامعی ایجاد شود که در آن امکان استفاده مؤثر از ارزش کامل محدوده وسیعی از اموال منقول اعم از مادی و غیرمادی، موجود و آینده نیز فراهم گردد و تمامی معاملاتی که کارکرد وثیقه دارند را شامل شود. همچنین با پیش‌بینی نظام جامع ثبت الکترونیکی و اعلام حقوق وثیقه در آن، هم از قواعد بازدارنده لزوم قبض مال مورد وثیقه رهایی حاصل شود و هم اسباب ایجاد قواعد شفاف جهت تعیین اولویت هریک از دارندگان حق وثیقه فراهم شود.



۸. منابع

۱-۸. فارسی

۱. انصاری، مهدی، «نظریه نقض کارآمد قرارداد از دیدگاه مکتب تحلیل اقتصادی حقوق»، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۱، ۱۳۹۰.
۲. انصاری، مهدی، تحلیل اقتصادی حقوق قراردادها، چ ۲، تهران، انتشارات جاودانه، جنگل، ۱۳۹۳.
۳. انصاری، علی؛ بادینی، حسن؛ شاهی دامن جانی، احد، «انجام عین تعهد در تقابل با قابلیت جمع فسخ قرارداد و پرداخت خسارات: سنجش کارآیی در نظام ضمانت اجراهای قراردادی»، مجله حقوق خصوصی، دوره ۱۴، ۱۳۹۶.
۴. بادینی، حسن، «مبانی فلسفی نگرش اقتصادی به حقوق»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۶۲، ۱۳۸۲.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۵، چ ۱، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.
۶. حیدری، پروین و زهرا افشاری، «عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی با تاکید بر شاخص های حکمرانی در دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۶»، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، دوره ۱۲، ۱۳۹۱.
۷. شعبانی، احمد؛ جلالی، عبدالحسین، «دلایل گسترش مطالبات معوق در نظام بانکی ایران و بیان راهکارهایی برای اصلاح آن»، فصل نامه برنامه ریزی و بودجه، دوره ۱۶، ۱۳۹۰.
۸. غیاثی شهبازی، موسی، «راهکارهای بهبود رتبه ایران در گزارش (انجام کسب و کار) بانک جهانی (نماگر دریافت اعتبار)»، دفتر مطالعات اقتصادی معاونت پژوهش های اقتصادی، ۱۳۹۳.

۹. عیسائی تفرشی، محمد؛ ابدالی، مهرزاد، «رویکردهای حمایت از قرارداد در تحلیل اقتصادی حقوق (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)»، فصلنامه پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۱۶، ۱۳۹۱.
۱۰. قاسمی حامد، عباس؛ نواریان، علی رضا، «نظریه نقض کارآمد قرارداد مطالعه تطبیقی و انتقادی در حقوق آمریکا»، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه نامه شماره ۷، ۱۳۹۰.
۱۱. قوامی، سیدحسن؛ سیدسینورانی، محمدرضا؛ محمدی، تیمور؛ رنجبر، منصور، «بررسی تجربی اثر علامت دهی متغیر وثیقه در عقود مشارکتی» فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۱۶، ۱۳۹۵.
۱۲. کریمی، عباس، «رهن دین»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، ۱۳۷۶.
۱۳. کشاورز حداد، غلام رضا؛ حیدری، هادی، «ارزیابی سیاست نوع وثیقه در ارزش اعتباری شرکت ها و جیره بندی وام: رویکرد جفت و جورسازی امتیاز»، فصلنامه پژوهش های پولی-بانکی، ۱۳۹۴.
۱۴. محمدی، سام؛ کدیور، حسام، «نقض کارآمد قرارداد در حقوقی ایران»، مجله حقوق خصوصی، دوره ۱۳، ۱۳۹۵.
۱۵. میراحسنی، منیرالسادات، «گزارش آنکتاب از سرمایه گذاری مستقیم خارجی در جهان و ایران (۲۰۱۷ میلادی)»، دفتر تحقیقات و سیاستهای پولی و بازرگانی، ۱۳۹۶.
۱۶. نیلی، فرهاد؛ علوی، سید محمود، «اثر تضمین قراردادهای بر عملکرد اقتصادی»، کتاب مجموعه مقالات سیزدهمین کنفرانس سالانه سیاست های پولی و ارزی (۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۲): نقش نهادهای مالی در توسعه اقتصادی: عملکرد و چشم انداز (تجربه ایران)، چ ۱، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۲.



۸-۲. انگلیسی

17. Akseli, N. Orkun, «Availability of credit and secured transactions in a time of crisis», New York, Cambridge University Press, 2013.
18. Boot, A and Thakor A and Udell G, «Secured Lending and Default Risk: Equilibrium Analysis, Policy Implications and Empirical Results». *Economic Journal*, Vol. 101, No. 406, 1991.
19. Cooter, Robert and Thomas Ulen «Law and Economics», Berkeley Law Books. Book 2, 6th edition, 2016.
20. Friedman, Daniel, «The Efficient Breach Fallacy», *the Journal of Legal Studies*, Vol. 18, No. 1, 1989.
21. Gilmore, Grant, «The Secured Transactions Article of the Commercial Code», *16 Law and Contemporary Problems* 27-48, Faculty Scholarship Series. Paper 2558, 1951
22. Haselmann, Rainer and Katharina Pistor and Vikrant Vig, «How the law affects Lending», *The Review of Financial Studies*, Vol. 23, No. 2, 2010.
23. Heywood Fleisig, «the economics of collateral and of collateral reform», secured transactions reform and access to credit, edited by Frederique Dahan and John Simpson, Elgar financial law, Edward Elgar Publishing, 2009.
24. Higson, Chris, «Business Finance», London, Oxford University Press, 1995.
25. <https://securedtransactionslawreformproject.org/reform-in-other-jurisdictions/africa/ghana/> (last accessed 27 April 2018).
26. <https://securedtransactionslawreformproject.org/reform-in-other-jurisdictions/asia/india/> (last accessed 27 April 2018).
27. IMF Staff Completes 2016 Article IV Mission to Islamic Republic of Iran, Available at: <https://www.imf.org/en/News/Articles/2016/12/19/PR16569-Islamic-Republic-of-Iran-IMF-Staff-Completes-2016-Article-IV-Mission>, (last accessed 27 April 2018).
28. Kozolchyk, Boris, «Implementation of the OAS model Law in Latin America: Current Status», *Arizona Journal of International & Comparative Law*, Vol. 28, No. 1, 2011.
29. Linzer, Peter, «On the Amorality of Contract Remedies—Efficiency, Equity, and the Second Restatement», *Columbia Law Review*. Vol. 81, No. 1, 1981.

30. Mackaay, Ejan, «*Law and Economics for Civil Law Systems*», Edward Elgar Publishing Limited, Cheltenham, 2013.
31. Miceli, Thomas J, «*Economics of the Law: Torts, Contracts, Property, Litigation*», Oxford University Press, New York, 1997.
32. McCormack, Gerard, «Secured transactions law reform, UNCITRAL and the export of foreign legal models», *Availability of credit and secured transactions in a time of crisis*, Orkun Akseli, New York, Cambridge University Press, 2013.
33. Orucu, Esin, «*Critical Comparative Law: Considering Paradoxes for Legal Systems in Transition*», Deventer, Kluwer Law International, 1999.
34. Posner, Richard, «*The Economic Analysis of Law*», New York, Aspen Publishers, 2003.
35. Röver, Jan-Hendrik, «The EBRD's Model Law on Secured Transactions and its Implications for an UNCITRAL Model Law on Secured Transactions», *Uniform Law Review*, Vol. 15, No. 2, 2010.
36. Smith, A. Stephen, «*Contract Theory*», London, Oxford University Press, 2004.
37. The World Bank, Doing business 2018, reforming to create Jobs. *Economy Profile*, Iran, Islamic, Rep, 2018, Available at: <http://www.doingbusiness.org/~media/WBG/DoingBusiness/Documents/Profiles/Country/IRN.pdf>
38. UNCTAD, World Investment Report 2017, Available at: http://unctad.org/en/PublicationsLibrary/wir2017_en.pdf (last accessed 27 April 2018).
39. *United Nations Commission on International Trade Law, UNCITRAL Legislative Guide on Secured Transactions*, New York, United Nations Publication, 2010.
40. White, James J., Summers, Robert S., «*Hand Book on the Uniform Commercial Code*», West Publishing Co, 1979.
41. Ziegel, Jacob S., «Canadian Perspectives on Chattel Security Law Reform in the United Kingdom», *the Cambridge Law Journal*, Vol. 54, 1995.